

صافی در شرح کافی

جلد اول

ملا خلیل قزوینی

www.ketab.ir



انتشارات نور محبت

سرشناسه: قزوینی، خلیل بن غازی، ۱۰۰۱-۱۰۸۹ ق.

عنوان قرارداد: الکافی، فارسی - عربی، شرح

عنوان و نام پدیدآور: صافی در شرح کافی / خلیل قزوینی،

مشخصات نشر: تهران: نور محبت، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ج ۲.

شابک: ج ۱: ۶-۲۸-۶۹۳۲-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۲: ۳-۲۹-۶۹۳۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: ج ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۱) (فیا).

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.

موضوع: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق.، الکافی -- نقد و تفسیر

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۴ ق.

شناسه افزوده: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق.، الکافی، شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱: ۲۰۴۲۲۶ ک۸/ک۸ BP۱۲۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۸۵۸۰



صافی در شرح کافی (جلد اول)

ملا خلیل قزوینی

ناشر: نور محبت

چاپ اول: ۱۳۹۲

تعداد صفحات / قطع: ۳۵۲ / وزیری

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها: ۱۸۵۰۰ تومان

شابک: ۶-۲۸-۶۹۳۲-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

مقدمه	۷
خطبه کافی	۱۱
کتاب العقل	۷۹
باب اول بَابُ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ	۸۱
باب دوم بَابُ قَرْضِ الْعِلْمِ وَوُجُوبِ طَلْبِهِ وَالْحَثُّ عَلَيْهِ	۱۵۸
باب سوم بَابُ صِفَةِ الْعِلْمِ وَقُضْلِهِ وَقُضْلِ الْعُلَمَاءِ	۱۶۶
باب چهارم بَابُ أَصْنَافِ النَّاسِ	۱۷۵
باب پنجم بَابُ ثَوَابِ الْعَالَمِ وَالْمُتَعَلِّمِ	۱۷۹
باب ششم بَابُ صِفَةِ الْعُلَمَاءِ	۴۸۱
باب هفتم بَابُ حَقِّ الْعَالَمِ	۱۹۲
باب هشتم بَابُ فَقْدِ الْعُلَمَاءِ	۱۹۴
باب نهم بَابُ مُجَالَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَصَحْبَتِهِمْ	۱۹۹

باب دهم بَابُ سُؤَالِ الْعَالِمِ وَتَذَاكُرِهِ	٢٠٣
باب يازدهم بَابُ بَذْلِ الْعِلْمِ	٢٠٩
باب دوازدهم بَابُ النَّهْيِ عَنِ الْقَوْلِ بِغَيْرِ عِلْمٍ	٢١٢
باب سیزدهم بَابُ مَنْ عَمِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ	٢١٨
باب چهاردهم بَابُ اسْتِعْمَالِ الْعِلْمِ	٢٢٠
باب پانزدهم بَابُ الْمُشْتَاكِلِ بِلِقَائِهِ وَالْمُبَاهِي بِهِ	٢٢٧
باب شانزدهم بَابُ لُزُومِ الْحُجَّةِ عَلَى الْعَالِمِ وَتَشْدِيدِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ	٢٣٢
باب هفدهم بَابُ التَّوَادُرِ	٢٣٦
باب هجدهم بَابُ رِوَايَةِ الْكُتُبِ وَالْحَدِيثِ وَفَضْلِ الْكِتَابَةِ وَالْتِمَسُكِ بِالْكِتَابِ	٢٥٨
باب نوزدهم بَابُ التَّقْلِيدِ	٢٦٦
باب بیستم بَابُ الْبَدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَایِسِ	٢٦٩
باب بیست و یکم بَابُ الرَّدِّ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَجَمِيعِ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ إِلَّا وَقَدْ جَاءَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ	٢٩٥
باب بیست و دوم بَابُ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ	٣١٠
باب بیست و سوم بَابُ الْأَخْذِ بِالسُّنَّةِ وَشَوَاهِدِ الْكِتَابِ	٣٤٢

بسم الله الرحمن الرحيم

فتح صافی گنجینه شاهی شرح کافی احادیث رازداران الهی، گشاید نعیم نامتناهی حمد بی شریک است - تعالی شاهد - که به دلالت کریمه: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» و کریمه: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ»، جمیع افراد انسان را جاهل به غیب و مایل به دعوی و اختلاف آفریده، تا در هر چه بی مکابره اختلاف در آن و در دلیل آن رود و خلاق را احتیاج به کسی که حکم کند در آن، شود، همگی محتاج به حکم الهی و کتاب سماوی باشند و غیر انبیا، محتاج به انبیا و انبیا محتاج به وحی خالق ارض و سما بوده، هیچ کدام در آن، انکار ربوبیت رب العالمین نکنند؛ یعنی شریکی در حکم، یا صاحب کل اختیار هر کس و هر چیز ننمایند.

و به مؤذای: «وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» رعایت احتیاج به امام معصوم مفترض الطاعة در هر زمانی نموده، اکثر احکام خود را به محکومات قرآن، صریح نساخت؛ بلکه هنوز راه اختلاف در آن باقی گذاشت و به علم جمیع آنها اوصیا را نواخت تا تشنگان زلال ایقان و راعیان شروط ایمان، به توکل نام و اخلاص تمام در اقوال خود، استفاضه از کلمات مشکل گشای ائمه اثنا عشر - عَلَيْهِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ إِلَى يَوْمِ الْمَحْشَرِ - نمایند و در افعال خود، راه پیروی احادیث و آثار ایشان پیمایند.

و صلوات نامیات بر جمیع انبیا و حجج، خصوصاً هادی سُبُل، مأمور به امر: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ»، شفیع عاصیان، رحمت عالمیان، ثمره شجره قریش.

از آل هاشم و عدنان، خاتم النبیین محمد بن عبدالله؛ و وصی او به نص قرآن، حلال مشکلات، کشف مبهمات، رازدار حضرت مصطفی، صف شکن میدان لافتی، نعمة الله العظمی، کلمة الله الکبری، اسد الله الغالب، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، و جمیع اوصیای

او ائمه هدی که به انوار مطالع هدایت، ساحت ملت بیضا را روشن و هویدا ساختند و به ازهار لوامع بلاغت، عرصه شریعت غرا را منور کرده، لوائ عالم آرای علم دین مبین بر فراز قبه خضرا برافراختند، خصوصاً وصی الأوصیاء، بقیة الله فی الأرض و السماء، که تسلی مؤمنان به انتظار جود او، و قرار زمین و نباتش، و مدار آسمان و برکاتش، به فیض وجود اوست. امام عباد الرحمن، الحجة بن الحسن، صاحب الزمان.

اما بعد، چنین گوید محرز این اوراق، خلیل بن الغازی القزوینی عفی عنهما بالنبی والوصی - که در شعبان هزار و شصت و چهار هجری، به فیروزی و اقبال، رایات جاه و جلال اعلی حضرت، پادشاه زمان، نور حدقه شیعیان، نور حدیقه اهل ایمان، غلام با اخلاص صاحب الزمان، برنیزده خاندان مصطفی، شهسوار اولاد مرتضی، آن که به جلال مهابت، در جمیع ممالک محروسه، عدل گسترده؛ و به کمال عدالت، در میان قوی و ضعیف، رعیت پرورد: ابوالغازی، ابوالمظفر، السلطان بن السلطان بن السلطان، المؤید بالتأیید الربانی، السلطان محمد الملقب به شاه عباس ثانی الحسینی الموسوی الصفوی - خلد الله تعالی مملکته و سلطانه، و أقاض علی العالمین نوره و عدله و إخسانه. بعد از فتح بعض اطراف دیار و ادبار مخالفان نگون سار در دار الموحدین قزوین صلیت عن کید النحاسین - نزول اجلال نمود. و چون این بلده فاخره، مولد و مظهر آن لطف اله بود، انبساطی تمام در این مکان، حاصل نموده، با وجود تلاوت قرآن و دعا و روزه و زیادت گرمای قلب الأسد، هر روزه به تجدید نظم و نسق عساکر منصوره پرداخت و در ماه رمضان المبارک، قصد ثواب افطار به روزه داران اهل اسلام و ترویج دین سپرده شده به دوازده امام نموده، به احضار علمایی که در پایه سریر اعلی حاضر بودند، فرمان داد تا مجلس اشرف اعلی به علمای نامدار و امرای ذوی الاقتدار و اکابر هر دیار قرار گرفت. و چنانچه عادت آفتاب عالم تاب، آن است که ذره پنجه را ظاهر سازد، بعد از تحقیق احوال علما و کتب احادیث صحیحه دوازده امام علیهم السلام، التفات به این بی مقدار کرده، شغل شرح کافی کلینی، مسمی به صافی را معلوم ساخت. پس بالمشافهة العلیة العالیه، فرمان واجب الإذعان، شرف صدور یافت به شرحی دیگر بر کافی به زبان فارسی آیان تا جمیع خلائق از عرب و عجم، طریق فهم احادیث ائمه معصومین - صلوات الله و سلامه علیهم أجمعین - را به سهولت دریابند و ثواب آن به روزگار فرخنده آثار اعلی حضرت، پادشاه

دین پناه و یک رنگان این خاندان ولایت نشان عاید گردد. سَمْعاً و طَاعَةً گفته، چون او صاف و شمایل اعلی حضرت، پادشاه اسلام را موافق دو حدیث که مذکور می شود، دید، به عرض رسانید که: شیخ ابو جعفر طوسی (که مصنف کتاب تهذیب الأحکام و کتاب استبصار است) کتابی در احادیث غیبت صاحب الزمان - عَلَيْهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ - تصنیف کرده و در آن کتاب، دو حدیث از حضرت رسول ثقلین - عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَام - روایت کرده موافق این تأیید دین مبین که واقع شد و امید آن است که روز به روز در تزیاید باشد:

یکی آن که گفته که: «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَخْرُجُ بَقَرَوْنِ رَجُلٌ اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ، يُشْرِعُ النَّاسُ إِلَى طَاعَتِهِ، الْمُشْرِكُ وَالْمُؤْمِنُ، يَمْلَأُ الْجِبَالَ خَوْفًا».

یعنی: منقول است از پیغمبر صلی الله علیه و آله این که او گفت که: ظاهر می شود در قزوین، مردی که نامش موافق نام پیغمبری باشد. می شتابند مردمان به سوی طاعتش، خواه مردمان مشرک و خواه مؤمن. هر می کند آن مرد، کوه ها را از ترس؛ یعنی به کمال مهابت و شوکت خواهد رسید.

دیگری آن که گفته که: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنَ الدِّيْلَمِ، يَمْلَأُ الْجِبَالَ وَالسَّهْلَ وَالْوُغُورَ خَوْفًا وَمَهَابَةً، وَيُشْرِعُ النَّاسَ إِلَى طَاعَتِهِ؛ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ».

یعنی: منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله این که او گفت که: بیرون می آید مردی از دیلم که پُر می کند آن مرد، کوه ها و صحرای هموار و صخره های ناهموار را از ترس و هیبت. و می شتابند مردمان به سوی طاعتش، خواه مردمان نیکوکار و خواه بدکار. و مدد می کند دین مرا.

و چون لفظ «دِیْلَم» مشترک است میان محلتی از محلات قزوین که دولت خانه مبارکه در آن جا واقع است و الحال به «دیلمه کوچه» مشهور است و میان طائفه یا موضعی که قزوین، سرحد آن است، می تواند بود که این دو حدیث شریف، بیان یک واقعه باشد و امید هست که آن مددکار، این پادشاه دین پناه باشد، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. و به عرض رسانید که: تا عجم به شرف اسلام، مشرف شده اند، در میان ایشان این قسم تأییدی واقع نشده [است]. الحق، کتاب کافی، عمده کتب احادیث اهل البیت علیهم السلام است و مصنف آن، ابو جعفر محمد بن

یعقوب بن اسحاق الرازی الکلبینی که مخالفان نیز اعتراف به کمال فضیلت او نموده‌اند، از روی احتیاط تمام، آن را در بیست سال تصنیف کرده در زمان غیبت صفرائی حضرت صاحب الزمان - عَلَيْهِ وَ عَلَى آيَاتِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ - که شصت و نه سال بوده و در آن زمان، مؤمنان، عرض مطالب می‌کرده‌اند به تَوْسُطُ سَفَرَا (یعنی خبر آورندگان از آن حضرت) و ایشان چهار کس بوده‌اند به ترتیب؛ و سوای ایشان و کلاً بسیار بوده‌اند که اموال از شیعه امامیه می‌گرفته‌اند و می‌رسانیده‌اند. و مُحَمَّد بن یعقوب، در بغداد، نزدیک سفرای بوده و در سال فوت آخر سفرای، ابو الحسن علی بن مُحَمَّد السَّمُرِي - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - که سال سیصد و بیست و نه هجری باشد، فوت شده، یا یک سال قبل از آن.

پس می‌تواند بود که هر حدیثی در این کتاب که در عنوانش «وَقَدْ قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» باشد، یا «وَفِي حَدِيثٍ آخِرٍ» یا مانند آنها باشد، نقل از صاحب الزمان علیه السلام باشد بی‌واسطه یا به تَوْسُطِ یکی از سفرای، مگر این که قرینه صادقه با آن باشد، و مصنف - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - در آن زمان، زیاد بر این اظهار نمی‌توانسته کرد و شاید که این کتاب مبارک، به نظر اصلاح آن حجت خدای تعالی رسیده باشد. وَاللَّهِ اعْلَمُ! مخفی نماند که اگر ترجمه، همه جا موافق لفظ عربی باشد، فارسی آیان نمی‌شود و اگر انکفا به مضمون شود، نمی‌توانند دانست که هر لفظی از عربی، چه معنی دارد. پس ما، میانه می‌گزینیم و معذور باید داشت؛ چه بیان قصد امام معصوم، مطلبی است بزرگ، نه بازیچه و ترک فضولی در آن به قدر وسع احتیاطی است لازم پر فائده.

بدان که آیات قرآن دو قسم است: اوّل، محکّمات؛ دوم، متشابهات. محکّمات، آیاتی است که دلالت آنها بر معنی، صریح باشد و احتمال نسخ در آنها نباشد و غیر آنها متشابهات است. و ما آنچه در ترجمه بعض متشابهات می‌گوییم، یا نقل است، یا محض اظهار احتمال؛ چه تفسیر آنها از پیش خود، جایز نیست. این است شروع در شرح.